بررسی دلایل اجتماعی و فرهنگی توهین به لیونل مسی در فضای مجازی

دکتر حسین باهر:

حمله به مسی شاید کار اجنبی باشد

گفت‌وگو
شیوا نوروزی

موضعگیری کاربران ایرانی شبکه‌های اجتماعی علیه لیونل مسی باز تاب گسترده‌ای در رسانه‌های خارجی داشت. البته این مسئله اتفاق تازه‌ای نبود؛ چراکه بارها مشاهده شده شخصیت‌های مشهور هنری، سیاسی و ورزشی از سوی برخی کاربران فیس‌بوک و سایر شبکه‌های اجتماعی مورد تمسخر و بعضاً توهین قرار می‌گیرند. با این وجود شهرت جهانی مهاجم آرژانتینی موجب شد تا اظهارنظرهای فارسی‌زبان خیلی زود با واکنش خارجی‌ها و از جمله شخص مسی مواجه شود اما اینکه به چه دلیل ایرانی‌های عاشق فوتبال به یکباره این بازیکن را آماج انتقاد قرار دادند کماکان جای بحث دارد. برای روشن شدن علت این اتفاق پای صحبت‌های پروفسور حسین باهر، استاد دانشگاه و پژوهشگر رفتارشناسی نشستیم و نظر کارشناسی او را جویا شدیم.

حتماً شما هم موضوع اظهارنظرهای برخی از هموطنان علیه لیونل مسی را شنیده‌اید؟

البته که شنیده‌ام. حتی می‌دانم که کفاشیان رئیس فدراسیون فوتبال بابت این مسئله عذرخواهی هم کرد.

شما این رفتار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید حواسمان به این موضوع باشد که صعود تیم ملی به جام جهانی، کاری جهانی است. پس اتفاقی که رخ داد آبروی جهانی ما را زیر ذره‌بین برده. اگر قرار باشد ما به جام جهانی برویم، هر کسی به تیم ما گل زد و از ما بهتر بازی کرد را هو کنیم و علیه‌اش واکنش نشان دهیم که نمی‌شود. مسابقات جهانی اصولاً برای این درست شده‌اند که صلح را گسترش دهند نه جنگ را. آن هم بدون در نظر گرفتن جنسیت و نژاد. با این رفتارها عملاً برای خودمان دشمن‌تراشی می‌کنیم.

فکر می‌کنید چه افرادی در شبکه اجتماعی علیه این بازیکن اظهارنظر کردند؟

این افراد دو دسته بوده‌اند: یا نادان بودند یا مزدور! این امکان وجود دارد که یک اجنبی عده‌ای را اجیر کرده تا از این طریق به هدفش برسد. با این حال عده‌ای هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند و شخصیت یک ملت را مخدوش می‌کنند. حرف من این است که مگر تاکنون به فوتبالیست‌های ما توهین شده؟ تا به امروز کوچک‌ترین بی‌احترامی نسبت به آنها در هیچ جای دنیا نشده و اگر هم می‌شد قطعاً توهین‌کنندگان مورد مؤاخذه قرار می‌گرفتند. فراموش نکنیم که ایران شخصیت جهانی دارد و به همین دلیل است که رئیس فیفا به ایران می‌آید.

سؤال خیلی‌ها این است که چه عواملی باعث ایجاد چنین رفتارهایی می‌شود؟

عوامل مختلفی در اینگونه رفتارها دخیل هستند. ابتدا به لحاظ رفتارشناسی منفی این اتفاق را بیان می‌کنم. اولین عامل بیکاری است، این افراد کسانی هستند که شب و روزشان با فیس‌بوک می‌گذرد و به مرور دچار بیماری می‌شوند. مثلاً به بزرگان جهان بد و بیراه می‌گویند و از اینکه آنها به توهین‌هایشان واکنش نشان می‌دهند، خوشحال می‌شوند. دسته دوم افراد جوزده هستند، علاقه‌مند به فوتبال هستند اما هنوز مسی را ندیده و گلی نزده را شماتت می‌کنند و عدم کنترل بر اعصاب عامل دیگری است، آدم‌های عصبی که تخیلات خاص خود را دارند. به عنوان مثال مسی یک بار گفته که ایران را نمی‌شناسد، با خودشان می‌گویند که چرا مسی نباید ما را بشناسد! مورد بعدی که باید به آن اشاره کنم کمرنگ شدن اخلاق جوانمردی است، اخلاق خیلی کمرنگ شده و دیگر نمی‌دانیم چه چیز خوب است و چه چیز بد.

> **باید توجه جوانان‌مان را به بزرگ‌منشی ایرانیان در طول تاریخ جلب کنیم. در گذشته ما پوریای ولی را داشته‌ایم، همچنین پهلوان تختی کسی که از حق خود در حین مسابقه گذشت تا رقیبش تحقیر نشود. اگر مسلمانیم مولا علی(ع) بهترین الگو است. اگر هر کسی هر کاری که بخواهد را انجام دهد که دیگر نمی‌توان اسمش را گذاشت دموکراسی**

برویم سراغ رفتارشناسی مثبت.

در این خصوص باید توجه جوانان‌مان را به بزرگ‌منشی ایرانیان در طول تاریخ جلب کنیم. در گذشته ما پوریای ولی را داشته‌ایم، همچنین پهلوان تختی کسی که از حق خود در حین مسابقه گذشت تا رقیبش تحقیر نشود. اگر مسلمانیم مولا علی(ع) بهترین الگو است. اگر هر کسی هر کاری که بخواهد را انجام دهد که دیگر نمی‌توان اسمش را گذاشت دموکراسی. باید تابع مقررات باشیم، تابع اخلاق اسلامی- ایرانی. از طرفی باید به جوانان آموزش زندگی بدهیم، آموزش استفاده از امکاناتی چون موبایل. فوتبال ما در سطح جهانی است. درست است که تیم ما ملی است اما باید جهانی فکر کنیم.

انتقادهای کاربران چه تأثیری در کار مسی داشته است؟

به نظر من هرچه نسبت به یک فرد عکس‌العمل بیشتری نشان بدهیم او بیشتر به چشم می‌آید و همه نگاه‌ها به سمت او جلب می‌شود. در اینجا هم فکر می‌کنم که این اتفاق به سود مسی تمام شد. من مسی را نمی‌شناختم اما حالا می‌شناسم. برای فوتبالیست‌ها هم که شهرت خیلی اهمیت دارد. مطمئنم که ایرانی‌ها در روز بازی تشویقش هم می‌کنند.

وضع قانون و مقررات تا چه حد می‌تواند از بروز چنین رفتارهایی جلوگیری کند؟

اصولاً توهین به هر کسی در شرایط غیرمنصفانه کمال بی‌ادبی است. متأسفانه فرهنگ استفاده از تکنولوژی مدرن برای ما تعریف نشده است. در حال حاضر امکاناتی مثل موبایل و اینترنت در دسترس قرار دارند اما وضع مقررات باعث می‌شود که هر کسی جرئت هر کاری را نداشته باشد.

به عنوان آخرین سؤال راهکارتان برای پیشگیری از تکرار چنین رفتارهایی چیست؟

در کوتاه‌مدت می‌توانیم کارهای پیشگیرانه‌ای انجام دهیم. از جمله اینکه عذرخواهی رسمی فدراسیون فوتبال با توضیح این مسئله که در همه عالم همیشه افراد خودسری وجود دارند که چنین کارهایی انجام می‌دهند. به علاوه اینکه فدراسیون فوتبال و وزارت ورزش باید توجه ویژه‌ای به احتمال نفوذ عوامل اجنبی و تحریک جوانان احساسی داشته باشند. کنترل جوزدگی در بین اهالی ورزش، چه تماشاگر و چه بازیکن از دیگر راهکارهاست. تدوین منشور فتوت (رفتار جوانمردانه ورزشکاری با الگوگیری از بزرگانی چون پوریای ولی و پهلوان تختی) و همچنین برقراری موازین و مقررات اجرایی در جهت کنترل افرادی که از خطوط قرمز عبور می‌کنند از دیگر گام‌هایی است که می‌توان در جهت جلوگیری از بروز اتفاقاتی از این دست انجام داد.

از حمله و توهین به داور بوکس آلمانی تا لیونل مسی

وقتی فیس‌بوک جولانگاه تماشاگرنماها می‌شود

گزارش
سعید احمدیان

پدیده جدیدی به نام حمله فیس‌بوکی این روزها در کانون اخبار قرار دارد، پدیده‌ای که شاید اختصاص به ایران نداشته باشد، لیونل مسی هم آخرین قربانی برخی کاربران ایرانی است که صفحه شخصی ستاره آرژانتینی فوتبال جهان را به محلی برای توهین و رد و بدل کردن کامنت‌های رکیک نسبت به او تبدیل کرده‌اند. بهانه این کار هم همگروهی ایران با آلبی سلسته در جام جهانی است. البته مسی اولین قربانی این حرکت غیرمتعارف کاربران ایرانی نیست، پیش از او چندین نفر دیگر هم آماج این حمله‌ها قرار گرفته‌اند، پدیده‌ای که از المپیک لندن شروع شد و این روزها با حمله به صفحه مسی در فیس‌بوک به اوج خودش رسیده است. در گزارش زیر چهره‌هایی که مورد حمله فیس‌بوکی برخی کاربران ایرانی قرار گرفته‌اند را مرور کرده‌ایم.

■ **فرانک شارماخ (داور بوکس از آلمان)**

مرداد ۹۱ بود، علی مظاهری بوکسور سنگین‌وزن ایران در حالی که در راند دوم مسابقه خود مقابل خوزه لاردوئت گومز حریف کوبایی با دو امتیاز پیش افتاده بود با ناداوری سه اخطار از داور دریافت کرد و بازنده این مسابقه شد. مظاهری در اعتراض به این تصمیم بدون دست دادن به داور رینگ را ترک کرد. طبق قوانین بوکس اگر بوکسوری بدون دست دادن به داور، رینگ را ترک کند، حق اعتراض به رأی داور را نخواهد داشت و این قانون مظاهری را از شانس برگرداندن رأی داور محروم کرد. مظاهری پس از این مسابقه بیرون از رینگ و قبل از اینکه رأی داوران به صورت رسمی اعلام شود، با عصبانیت و از طریق مترجم خود به خبرنگاران گفت: «این موضوع یک تبانی بود، اگر این اتفاق نمی‌افتاد به آسانی می‌توانستم برنز بگیرم. در مبارزه‌های قبلی‌ام خیلی خوب کار کرده بودم و در این مسابقه همه چیز از پیش تعیین شده بود.» پس از شکست علی مظاهری مقابل خوزه گومز کوبایی در مسابقات مشت‌زنی، صفحه فیس‌بوک کمیته بین‌المللی المپیک نیز به شدت مورد آماج کاربران ایرانی فیس‌بوک قرار گرفت؛ متن‌هایی معترضانه اما در برخی موارد مؤدبانه روی صفحه رسمی کمیته المپیک قرار گرفت، اعتراض‌هایی که نشان می‌داد کاربران ایرانی برای رساندن صدای اعتراضشان راه جدیدی را گشوده‌اند.

■ **ایهار برل (داور کشتی از بلاروس)**

مرداد ۹۱ در جریان مسابقات کشتی المپیک لندن، سعید عبدولی مقابل استیو گینو از فرانسه قرار گرفت و با ناداوری آشکار تیم داوری شکست خورد. برخی از کاربران با ورود به صفحه شخصی داور بلاروسی آن دیدار به گذاشتن پیام‌هایی با مضمون‌های غیراخلاقی و حتی جملات تهدیدآمیز اقدام کردند، طوری که این داور ترجیح داد صفحه‌اش را ببندد. البته واکنش‌ها به ناداوری داور بلاروسی که همراه با توهین بود باعث نشد تا این داور از سوی فدراسیون جهانی کشتی محروم شود.

■ **رافائل مارتینتی (رئیس سابق فدراسیون جهانی کشتی)**

پس از ناداوری در حق عبدولی علاوه بر داور بلاروسی، رئیس فدراسیون جهانی کشتی هم مورد آماج حملات و توهین‌های کاربران ایرانی قرار گرفت. فدراسیون جهانی کشتی به ریاست رافائل مارتینتی نیز ترجیح داد دو شبانه‌روز، صفحه رسمی فیس‌بوک خود را غیرفعال کند. همچنین حجم ایمیل‌های حاوی الفاظ تند به رئیس فدراسیون جهانی کشتی طوری بود که دو مقام ایرانی صاحب منصب در المپیک از مردم بخواهند این روند قطع شود. بهمن طالبی، داور باتجربه و بین‌المللی کشورمان که در بازی‌ها حاضر بود در این‌باره گفت: «فیلا حتی داور مسابقه عبدولی را از بازی‌ها محروم نکرد. با این ایمیل‌های ارسالی مردم شرایط اصلاً به سود ما نیست. همه داوران به ورزشکاران ایران حساس شدند. بعضی از ایمیل‌ها به شدت توهین‌آمیز بودند و این باعث ایجاد جوی سنگین علیه کشتی‌گیران ما شده است.»

■ **ایوان زایتسف (بازیکن تیم ملی والیبال ایتالیا)**

ایوان زایتسف چهارمین قربانی کاربران ایرانی فیس‌بوک بود. درخشش او در لیگ جهانی والیبال در سال گذشته مقابل ایران باعث شد تا صفحه فیس‌بوک او هم مورد آماج کامنت‌های توهین‌آمیز ایرانی‌ها قرار بگیرد. داستان از آنجا شروع شد که در ست سوم بازی ایران و ایتالیا، ایوان زایتسف، ستاره میزبان با وجود مصدومیت به زمین آمد و در دو ست متوالی ۱۹ امتیاز برای تیمش گرفت و نزدیک بود که با درخشش خود، تیمش را از یک شکست تاریخی نجات دهد. زایتسف، نتوانست ایتالیا را به پیروزی برساند و در نهایت تیمش برابر ایران باخت اما خاطره‌ای که پس از آن بازی از ایرانیان در ذهن او باقی ماند، تلخ‌تر از شکست ناباورانه تیمش بود. دقایقی پس از پیروزی خاطره‌انگیز ایران برابر ایتالیا، صفحه شخصی زایتسف از شبکه‌های اجتماعی آماج حملات کاربران ایرانی قرار گرفت و در عرض چند ساعت، ۱۹۰۰ نظر، که بیشترشان حاوی دشنام و ناسزاهای رکیک بود، در آن صفحه جای گرفت. مایه تأسف این است که زایتسف در همان صفحه پس از اطلاع از محتوای نظرات ایرانیان نوشت: متأسفم که بزرگترین تفریح ایرانیان، توهین به دیگران است!

■ **لیونل مسی (ستاره آرژانتینی فوتبال جهان)**

همگروهی ایران با آرژانتین در جام جهانی فوتبال باعث شد تا پس از یک سال و نیم دوباره حمله فیس‌بوکی کاربران ایرانی به چهره‌های مشهور از سر گرفته شود. در عرض چند روز بیش از ۲۰۰ هزار کامنت روی صفحه شخصی بهترین بازیکن چهار سال گذشته جهان از سوی ایرانی‌ها ارسال شد که همه آنها با محتوایی مشابه در حال کری و رجزخوانی برای این ستاره فوتبال دنیا آن هم با بدترین ادبیات یا اشاره به تقابل او با هاشم بیک‌زاده بودند. پس از اقدام تأسف‌برانگیز این کاربران ایرانی بود که موج دوم کامنت‌های ایرانی‌ها در صفحه مسی در فیس‌بوک به عذرخواهی از این بازیکن اختصاص پیدا کرد. آن هم در حالی که حجم بالای کامنت‌های توهین‌آمیز برای مسی باعث شده بود تا یک آبروریزی بزرگ شکل بگیرد.

■ **لیما (مجری آلمانی قرعه‌کشی جام جهانی برزیل)**

پس از مراسم قرعه‌کشی، برخی کاربران حتی به صفحه خانم فرناندا لیما مجری مراسم قرعه‌کشی هم سر زدند و عده‌ای او را به شوخی یا جدی، سرزنش کردند که چرا حجاب نداشته تا تلویزیون ایران بتواند این مراسم را به طور کامل پخش کند. صفحه او فقط اندکی بیش از ۲۰ هزار عضو دارد. یک نظرسنجی فیس‌بوکی توسط کاربران ایرانی روی صفحه او ایجاد شده که حاوی فحاشی بود. البته برخی از کاربران ایرانی نیز با ارسال پیام در فیس‌بوک فرناندا لیما از او به خاطر این رفتار هموطنانشان عذرخواهی کرده‌اند. او هم چند روز بعد در واکنش به کامنت‌های توهین‌آمیز صفحه فیس‌بوکش را بست و در گفت‌وگو با فرانس ۲۴ عنوان کرد: «هر فردی محصول فرهنگی است که در آن زندگی می‌کند. در مورد مردم ایران باید بگویم، نظر من به خاطر کامنت‌های توهین‌آمیز نسبت به آنها تغییر نکرده است. من همچنان به فرهنگ و همه انسان‌ها احترام می‌گذارم.»

آبروریزی بچگانه!

نگاه
دنیا حیدری

باور و هضمش سخت است. اینکه به همین راحتی آبروی خود را به حراج بگذاریم. آن هم به دلیل یک سری رفتارهای بچگانه و در اصل جوزدگی! همه‌اش از یک عصبانیت شروع شد. عصبانیت ناشی از حق‌خوری که در المپیک در حق عبدولی و مظاهری شد. در دعوا حلوا خیر نمی‌کنند. شاید به همین دلیل هم بود که برخی کاربران ایرانی به صفحه اجتماعی کمیته بین‌المللی المپیک و ایمیل مارتینتی یورش بردند. این اولین برخورد ایرانی‌ها به این شکل بود. مارتینتی ابتدا گفت که از ایرانی‌ها توقع چنین برخوردی را نداشته اما با قبول اشتباه و عذرخواهی، این عصبانیت را درک کرد. هر چند که باز هم این توجیه توهین‌هایی که شده بود، نبود.

اما هرگز تصور نمی‌شد این هجوم عصبانی، شروع یک بدعت زشت باشد. یک رفتار غیرمنطقی و بچگانه که آبروی ایران را تحت‌الشعاع قرار دهد.

در ماجرایی که برای مارتینتی رخ داد، می‌شد عصبانیت را بهانه کرد برای توجیه. اما در ماجراهای بعدی و برخوردهای ناشایستی که با زایتسف و لیما و بدتر از همه مسی شد، هیچ جای توجیهی باقی نمانده بود. آنها نه اجحافی در حق ما کرده بودند و نه حق‌خوری! با این وجود مورد هجوم یک رفتار بچگانه قرار گرفتند. رفتاری که جای تأسف داشت و خیلی زود در سرتاسر جهان منعکس شد تا خیلی‌ها از خود بپرسند این‌ها همان مردمانی هستند که از فرهنگ‌شان داستان‌ها نقل می‌شود؟ درست مثل سؤالی که در پی ماجرای زایتسف از ولاسکو شد. سرمربی تیم ملی والیبال ایران که از فرهنگ مردم ایران قبل از بازی با ایتالیا بسیار تعریف کرده بود و بعد از اتفاقی که برای بازیکن ایتالیا افتاد، شرمنده شد!

شروع هجمه دوم شاید از یک شوخی و یک بازی بچگانه بود. شاید حتی آنهایی که دست به این اقدام ناپسند زدند هم هرگز تصورش را نمی‌کردند این مسئله تا به این اندازه بزرگ شود و بازتابی جهانی داشته باشد اما هرچه بود، امروز آبروی ایران است که تحت‌الشعاع این رفتارهای زشت قرار گرفته. رفتارهایی که پیشتر در ورزشگاه‌ها شاهد بودیم و حالا گویا با راهیابی به صفحات اجتماعی دیگران، مورد تحول قرار گرفته است.

برخوردهایی که با مسی و زایتسف و لیما شد، نمونه کوچکی از همان توهین‌هایی است که سال‌هاست در ورزشگاه‌های کشور به بازیکنان، مربیان و حتی داوران می‌شود. توهین‌هایی که باعث می‌شود در طول پخش بازی‌ها بارها صداها کم و زیاد یا قطع شود اما هر بار به نوعی ناکام مانده است و حالا شاهد هستیم که در نوع پیشرفته این برخوردهای ناپسند، عده‌ای از غیرخودی‌ها هم مورد تعرض قرار گرفته‌اند!

جوزدگی شاید دلیل اصلی این رفتار باشد. درست مثل زمانی که روی سکوهای ورزشگاه یک شعار را چند نفر سر می‌دهند اما بعد از گذشت زمانی کوتاه، آن را باید از زبان کل حاضران در ورزشگاه شنید و تفاوتی هم نمی‌کند آنچه بیان می‌شود تشویق است یا توهین. چراکه در هر صورت خیلی زود همه تحت تأثیر جو مکانی، آن را تکرار و تکرار می‌کنند.

آنچه در ورزشگاه‌ها رخ می‌دهد اما یک مسئله داخلی است. هر چند این از زشتی ماجرا نمی‌کاهد اما می‌توان مسئله را اینگونه توجیه کرد که یک معضل خانوادگی است اما برخوردهایی که با مسی و دیگران شد، دیگر یک مسئله داخلی و خانوادگی نبود. این بار این جوزدگی به قیمت زیرسؤال رفتن فرهنگ ایرانی تمام شد. مسئله‌ای که با وجود عذرخواهی‌هایی که شد، به این زودی از اذهان عمومی پاک نمی‌شود. خصوصاً که از یکسو ایران یکی از تیم‌های حاضر در جام جهانی است و این خود دلیل محکمی است برای زیر ذره‌بین قرار گرفتن و دوم اینکه برخی از نفراتی که مورد تهاجم قرار گرفته‌اند آنقدر شهرت دارند که صدای آنها خیلی زود در سرتاسر جهان می‌پیچد و حالا علاوه بر آبرویی که بر سر یک بچه‌بازی تحت‌الشعاع قرار گرفته، باید خود را آماده دشمنی طرفداران این نفرات معروف مانند مسی هم کنیم. حال آنکه این توهین‌ها در صورتی انجام شده که یکی مثل مسی، یکی از بازیکنان بسیار محبوب در ایران است!

از فن‌پرسی تا مسی

تقابل‌های فیس‌بوکی فوتبال

فوتبال
وحید صابری

تنها یک روز پس از قرعه‌کشی جام جهانی و همگروهی ایران با آرژانتین، تعدادی از کاربران و فعالان حاضر در صفحات اجتماعی و فضای مجازی لیونل مسی را در صفحه اجتماعی‌اش با گذاشتن کامنت‌های عجیب خود، حسابی خجالت‌زده کردند.

با گذشت حدود دو هفته از این اتفاق ناخوشایند حالا سر و صداها خوابیده اما آنچه مهم است اینکه هجوم این دسته از کاربران، اول فرهنگ ایرانی را زیر سؤال برد و بعد فرهنگ فوتبالی‌مان را.

جالب این است که بدانید این اولین باری نیست که در دنیای فوتبال چنین اتفاقی رخ می‌دهد و به طور حتم آخرین آن نیز نخواهد بود. در جریان رقابت‌های باشگاهی اروپا از این دست اتفاقات به وفور دیده می‌شود به خصوص وقتی که هواداران دو تیم مقابل هم در فضای مجازی قرار می‌گیرند.

امیر حاج‌رضایی، کارشناس برجسته فوتبال کشورمان در این‌باره می‌گوید: تا آنجا که ذهنم یاری می‌کند در عرصه ملی چنین اتفاقی را ندیده و نشنیده‌ام اما در سطح باشگاهی باید بگویم که دو باشگاه منچستریونایتد و منچسترسیتی از قدیم با هم اختلافاتی دارند که این اختلافات به هواداران هم سرایت کرده است. معمولاً بازی این دو تیم قبل و بعد از آن با حاشیه‌هایی همراه بوده به خصوص اینکه طرفداران در فضای مجازی حرف‌های رکیک به هم نسبت می‌دهند. این موضوع حتی درون باشگاهی هم هست.

خاطرم هست وقتی فرگوسن، فن‌پرسی را در لیست ۱۱ نفره قرار نداده بود او با ادبیاتی بد علیه فرگوسن در فضای مجازی مطالبی را منتشر کرد که در نهایت باشگاه منچستریونایتد کتباً طی نامه‌ای از فرگوسن عذرخواهی کرد. بعدها فن‌پرسی اشاره کرد که تمام ناراحتی‌اش از فرگوسن به خاطر نیمکت‌نشینی‌اش بوده است.

کارشناس فوتبال درباره اینکه آیا ما باید از مسی عذرخواهی کنیم، اظهار داشت: به هرحال اتفاقی است که افتاده و تعدادی هوادار به مسی اهانت کردند. مسی بازیکنی جهانی است و شخصیت جهانی دارد و قطعاً در دنیای امروز هوادار زیادی دارد، اینکه ما بخواهیم حتی به عنوان طنز و خنده او را تمسخر کنیم باعث می‌شود فرهنگمان در دنیا زیرسؤال برود و دنیای فوتبال از ایران و ایرانی تنفر پیدا کنند. به نظر من بهترین راه‌حل عذرخواهی رسمی از این بازیکن است که این کار را فقط باید فدراسیون فوتبال آن هم به طور رسمی انجام دهد تا اینگونه از فرهنگ باارزش ایرانی دفاع کرده باشیم. به نظر من باختن به تیم‌هایی چون آرژانتین اصلاً مهم نیست. مهم این است که ما در صحنه اخلاق اجتماعی پیروز شویم چراکه پیروز واقعی کسی است که در جهان از خود و مردم کشورش چهره انسانی و متمدنی را به نمایش می‌گذارد.